۴ پیرک

نشریه روزانه
سیزدهمین
جشنواره بین‌المللی
نمایش عروسکی
تهران

شنبه
دوم مردادماه
۱۳۸۹

عذرخواهی گروه آلمانی از تماشاگران ایرانی

گروه اجرایی نمایش سالتو سمنتو به‌دلیل عدم اجرای نمایش خود از همه مخاطبان ایرانی عذرخواهی کردند. دو تن از اعضای این گروه که بیش از کارگردان‌های دیگر گروه به ایران آمده بودند در نامه‌ای نوشتند:

تماشاگران محترم

ما به دلیل عدم حضور دو تن از عروسک‌گردان‌های نمایش‌های سالتو سمنتو که به شکل غیر مترقبه‌ای از پیوستن به ما در اجرای این نمایش در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک باز ماندند، از همه مخاطبان محترم جشنواره عذرخواهی می‌کنیم. این نمایش‌ها قرار بود جمعه ۲۳ و شنبه ۲۴ جولای در این جشنواره روی صحنه برود.

ما واقعاً دوست داشتیم کارمان را برای مخاطبان ایرانی به نمایش می‌گذاشتیم. تمامی کارهای قانونی از قبیل کمک هزینه و ویزا و هزینه بلیت هواپیما برای سفر ما از آلمان به ایران نیز توسط ستاد برگزاری جشنواره در ایران تأمین شده بود اما متأسفانه بیماری غیر قابل پیش‌بینی کارگردان و بازیگر اصلی، ما را گرفتار کرد و آن‌ها از اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر عروسکی مبارک- تهران باز ماندند.

استفان دیتن، یوهانس فریشن

همچنین در پی نگارش این نامه کارگردان‌های نمایش نیز در نامه‌ای به محمد اطبایی مدیر بخش بین‌المللی نوشتند: «جناب آقای محمد اطبایی، برگزار کنندگان محترم جشنواره و تماشاگران عزیز؛

ما بسیار متأسفیم که نتوانستیم در جشنواره شما شرکت کنیم. امیدواریم عذرخواهی ما را برای لغو برنامه نمایشمان در ایران پذیرا باشید. بیماری سبب شد از حضور در جشنواره باز بمانیم و از این بابت شدیداً ناراحت هستیم. مجدداً عذرخواهی می‌کنیم و امیدواریم جشنواره‌ای موفق داشته باشید.

با آرزوی بهترین‌ها
کارین ارشینگ، فرانک زوهنل

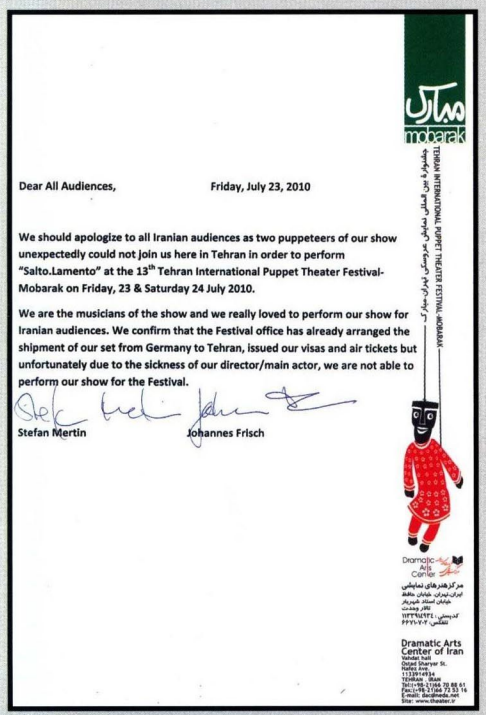
مبارک
mobarak
TEHRAN INTERNATIONAL PUPPET THEATER FESTIVAL -MOBARAK

Dear All Audiences, Friday, July 23, 2010

We should apologize to all Iranian audiences as two puppeteers of our show unexpectedly could not join us here in Tehran in order to perform "Salto.Lamento" at the 13th Tehran International Puppet Theater Festival-Mobarak on Friday, 23 & Saturday 24 July 2010.

We are the musicians of the show and we really loved to perform our show for Iranian audiences. We confirm that the Festival office has already arranged the shipment of our set from Germany to Tehran, issued our visas and air tickets but unfortunately due to the sickness of our director/main actor, we are not able to perform our show for the Festival.

Stefan Mertin Johannes Frisch

Dramatic Arts Center

مرکز هنرهای نمایشی ایران

Dramatic Arts Center of Iran

جشنواره عروسکی هر روز در شبکه ۴

شبکه چهار سیما هر روز در برنامه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای جشنواره تئاتر عروسکی را معرفی می‌کند.

این برنامه که در ساعت ۱۸/۱۵ روی آنتن می‌رود تا روز سه‌شنبه ادامه دارد و روز چهارشنبه هم در همین ساعت مراسم اختتامیه جشنواره را به‌صورت کامل پخش می‌کند.

همچنین تمامی نمایش‌های اجرایی در طول جشنواره تئاتر عروسکی تصویربرداری و در پایان جشنواره بسته کاملی از این فیلم‌ها تهیه می‌شود. تیزرهای این دوره از جشنواره این روزها در سالن انتظار تالار اصلی به نمایش در می‌آید.

نشریه روزانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران-مبارک
زیر نظر روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی
مدیر مسئول: اردشیر صالح‌پور
سردبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری و طراح گرافیک: حسین نوروزی

مدیر اجرایی: حمید هنری
دبیر عکس: رضا موسوی
گروه عکس: ساغر برکات، مهدی حسنی‌سارا، اساسانی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، آزاده نوزاد، شکوفه هاشمیان
خبر و گزارش: ندا آل‌طیب، مهرداد ابوالقاسمی، مریم جعفری حصارلو، مریم رضازاده، فرزین ریحانی، زهرا شایان فر، نیکو مهدیه

نقد و مقاله: رضا آشفته، رحیم عبدالرحیم‌زاده، محمد مطلق، مهدی نصیری
ویراستار: جواد قاسمی
انگلیسی: سمیه قاضی‌زاده
حروف‌نگار: ابراهیم نجفی
اجرای صفحات: حمید پریشن
مدیر فنی و ناظر چاپ: محمدحسین دوست‌محمدی
تصویرسازی‌های نقوش: استاد علی نامور

همه بلیت‌ها به فروش می‌رسد

حسن جودکی، مسئول گیشه تئاترشهر می‌گوید: فروش بلیت نمایش‌ها کاملاً راضی کننده است. امسال مسئولان جشنواره تصمیم گرفتند ۳۰ درصد از بلیت‌های هر سالن را به‌فروش روزانه اختصاص بدهند. بلیت همه سالن‌ها هزار تومان است و آن‌طور که حسن جودکی می‌گوید همه بلیت‌های روزانه به فروش می‌رسند. گیشه تئاتر شهر ساعت ۱۵ کار خود را شروع می‌کند و هر روز اولین نمایش ساعت ۱۶ به صحنه می‌رود.

تالار اصلی که روزهای دوم و سوم مرداد میزبان نمایش‌های سوییس و ایتالیا است، به‌دلیل ظرفیت بالایی که دارد، بیش از ۳۰ درصد فروش دارد.

گپی کوتاه با مسئول تبلیغات محیطی جشنواره

نمی‌خواستیم اجراهای خیابانی را تحت تأثیر قرار دهیم

تبلیغات محیطی همواره یکی از بخش‌های قابل توجه جشنواره‌های تئاتری است، که در جذب مخاطب و رهگذران مردمی بیشترین نقش را ایفا می‌کند. چند سالی است که ستاد برگزاری جشنواره‌های تئاتر با انعقاد قراردادی با مراکز مرتبط تبلیغات محیطی تلاش دارند تا این بخش را به شکل گسترده‌تر و در عین حال تخصصی‌تر پیش ببرند. احمد نبی‌فر که در این چند دوره به‌عنوان مسئول تبلیغات محیطی حضور داشته درباره برنامه‌های خود در این جشنواره گفت: بیشترین توجه ما در این جشنواره به نشانه‌های تئاتر عروسکی و بین‌المللی بود و به‌ویژه با استفاده از بوستر جشنواره، تبلیغات را پیش بردیم.

او همچنین درباره نورپردازی و نمایش لیزر در این جشنواره توضیح داد، از دوره‌های پیش ۵۰درصد از سازه‌های تبلیغات نوری شده است و به همین دلیل امکان نورهای افکتی در این تبلیغات فراهم است و اما برنامه لیزر شو تنها به مراسم افتتاحیه و اختتامیه اختصاص داشت که در این جشنواره به دلیل کوتاه بودن مراسم افتتاحیه و نبود موسیقی، آن را لغو کردیم.

نبی‌فر همچنین با تأکید بر اهمیت اجراهای گروه‌های خیابانی، گفت: اجراهای گروه‌های خیابانی در ساعت ۱۷ آغاز می‌شود و در این مدت زمان خیلی نمی‌توان با اجرای موسیقی محیطی و با برنامه‌های این چنینی فضای نمایش‌های میدانی را تحت تأثیر قرار داد، از سوی دیگر از آن‌جا که تاریکی هوا از ساعت ۸ به بعد آغاز می‌شود و در این ساعت‌ها تمام سالن‌ها اجرا دارند، دیگر موقعیتی برای رقص نور و موسیقی نیست.

او اضافه کرد امسال حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از محوطه بیرونی ما در اختیار فضای مترو است و به همین دلیل تنها از فنزهای کارگاهی مترو برای تبلیغات بهره‌گرفته ایم و بخشی از فضا را از دست دادیم. او در پایان درباره نمایش تیزرهای تبلیغاتی جشنواره در محوطه باز، گفت، پخش تیزر در فضای بیرونی به‌دلیل نیاز به اجازه تلویزیون هزینه بالایی داشت و امکان استفاده از آن را پیدا نکردیم.

رونمایی از کتاب‌های جشنواره

کتاب‌های سیزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی رونمایی می‌شوند. همزمان با این دوره از جشنواره چند عنوان کتاب جدید توسط انتشارات نمایش منتشر شده که قرار است روز یکشنبه سوم مردادماه از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر رونمایی شوند.

در این برنامه رونمایی که در کتابخانه مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود، «دایره‌المعارف عروسک‌های ایرانی» نوشته پویک عظیم‌پور رونمایی می‌شود و همچنین کتاب‌های «بازبازک» نوشته اردشیر صالح‌پور (نشر آرون)، نمایشنامه «دختران باغ‌های قالی» نوشته هنگامه مفید (انتشارات نمایش)، «گفت امروز بینی و فردا بینی و...» نوشته نیما دهقانی، «قصه بخت» نوشته داود فتحعلی‌بیگی، «ماه پیشونی چنین بود» نوشته نسرین خنجری، «بازی با آتش» ترجمه شیوا مسعودی و «نفرین عاشقانه برای آتش» نوشته اکبر حسنی رونمایی می‌شوند. این کتاب‌ها با حضور نویسندگان و مترجمان رونمایی می‌شوند و دبیر جشنواره هم در این برنامه حضور خواهد داشت. علاقه‌مندان و تماشاگران پی‌گیر جشنواره حتماً می‌دانند که در این دوره از جشنواره عروسکی نمایشنامه‌های «دختران باغ‌های قالی» اثر جدید هنگامه مفید به کارگردانی افسانه زمانی اجرا می‌شود و نمایشنامه «امروز بینی و فردا بینی و...» نوشته نیما دهقانی با کارگردانی زهره بهروزی‌نیا به صحنه می‌رود.

گزارشی از بخش
قرآنی جشنواره

ترکیب نمایش سایه و نقالی

بی شک کودک امروز با بسیاری از قصص قرآنی آشنایی دارد. هر چند که ممکن است این آشنایی سطحی باشد، اما آشنا شدن کودکان با قصه پیامبران همچون حضرت یونس که نهنگی او را می‌بلعد و مدت‌ها در شکم نهنگ زندگی می‌کند و یا حضرت ابراهیم که آتش را به گلستان بدل می‌کند به مراتب جذاب‌تر خواهد بود چرا که در سی‌دی‌های بازی و کارتون‌هایی که در بازار موجوداستبه فراخور قابل مشاهده است. بنابراین پرداختن به قصص قرآنی که فضایی فرا واقعی دارند باروحیه کودک امروز تناسب بیشتری دارد ودر بخش قصص قرآنی جشنواره نیز به این مسئله پرداخته شده است.

در این جا قصد داریم دو اثر از بخش قصص که به زندگی پیامبران از جمله حضرت یحیی، ذکریا، حضرت عیسی و حضرت ابراهیم می‌پردازند را بررسی کنیم.

«ماندانا جعفری» یکی از کارگردانان بخش قصص است. او از سال ٦٦ با بهروز غریب‌پور وارد عرصه تئاتر شد و اکنون پس از ۱۲ سال مجدداً به دنیای تئاتر بازگشته است و به اجرای نمایش می‌پردازد. نمایش او اولین نمایش از بخش قصص است که به نقل داستان حضرت زکریا، یحیی و عیسی می‌پردازد.

این نمایش برای گروه سنی نوجوان مناسب است و برای کودک خردسال چندان مناسبت ندارد. وی شیوه اجرای نمایش خود را «سایه» معرفی می‌کند زیرا وجاهت اولیا و انبیا را با عروسک نشان دادن چندان شایستگی و جذابیت ندارد. ضمن آن‌که بخش‌های نقالی نیز دارد و تلاش کرده تا قصه‌های تکراری برای کودکان بازگو نکند. وی وجوهی را در نمایش خود مد نظر قرار داده که سبب جذب مخاطب کودک می‌گردد و به همین دلیل هم زمان اش کوتاه است.

ماندانا جعفری در مورد موضوع قصه اثر خود می‌گوید: «قصد داشتیم بخش‌هایی از زندگی پیامبران را نشان دهیم زیرا فکر می‌کنم می‌توان قصه‌های مذهبی را برای کودکان قابل فهم و تصویر کرد.»

یکی دیگر از کارگردانان قصص قرآنی علی‌رضا استادی است، او در مورد چگونگی شکل‌گیری بخش قصص قرآنی می‌گوید: «به همت سیزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی این بخش به‌وجود آماده با عنایت ائمه معصومین ما هفت قصه پیامبران را به شیوه نمایش سایه و شیوه نقالی اجرا می‌کنیم» متن نمایش این قصص توسط ماندانا جعفری و زارعیان نوشته شد و قصه آتش رحمت، حضرت ابراهیم را شخصاً کارگردانی می‌کنم و با شیوه سایه علت انتخاب شیوه‌های سایه هم آن بود که جشنواره عروسکی باید با یکی از شیوه‌های عروسکی اجرا می‌شد اما شیوه‌ای که کمتر بها داده می‌شد و در حالی که جذاب‌تر و پر زحمت‌تر نیز بود. شیوه سایه در اولویت روش‌های توجه به شاخص‌های قصه‌های قرآنی تکنیک سایه است. ضمن آن‌که با اجرایی بود.»

وی در مورد موضوع قصه آتش رحمت می‌گوید: شناخت معرفتی که در مورد مفاهیم دینی به‌دست می‌آید ومفاهیمی همچون ایثار، فداکاری، سعادت انسان‌ها، فهماندن و شناساندن راه هدایت انسانی و اعتقاد به خداوند تعالی موضوع این نمایش است.

گفت‌وگو با ددی پودامجی، رئیس یونیما

جهانی شدن، نیاز تئاتر عروسکی ایران است

در آخریـــن دوره از انتخابات یونیمای جهانـــی، بر خلاف انتظار و باور همگان و با وجود حضور نمایندگان مختلف کشـــورهایی از قاره‌های اروپا و امریکا، نماینده کشـــور هند به‌عنوان رئیس یونیمای جهان انتخاب شد.

ددی پودامجی، نخستین رئیس یونیما از قاره آسیا است و این در تاریخ یونیما نکته حائز اهمیتی اســـت. او برای نخستین بار ۱۲ سال پیش به ایران آمده بود. حالا هم علاوه بر حضور در ســـمینار «سنت، نمایش و عروســـک»، در مدت برگزاری جشـــنواره تئاتر عروسکی میهمان جشـــنواره است. با ددی پودامجی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید.

اهل یک کشـــور از قاره آســـیا هســـتید و ایران هم یک کشور آســـیایی محسوب می‌شود. با این وجود اما یونیما در این سال‌ها، مشارکت چندانی با ایران نداشته است. قصد ایجاد تعامل و ارتباط بیشتر یونیما با ایران را ندارید؟

یونیما یکی از قدیمی‌ترین تشکل‌های تئاتری جهان است و سال گذشته ۸ سالگی آن را جشن گرفتیم. در حال حاضر حدود ۷۰ کشور عضو یونیما هســـتند. در آن چه که شما پرســـیدید دو مسئله وجود دارد. اول این‌که مقر یونیما در یک کشـــور اروپایی مثل فرانســـه قرار دارد و در همین حال در هر کشـــوری یک مقر یونیما قرار دارد. نکته جالب این‌جاســـت که اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم که ایران با ۴۷۸ عضو، در میان کشـــورهای جهان، بیشـــترین عضو را در یونیما دارد. ماجرا این است که یونیمای ایران اول باید پیش‌قدم شود و برنامه‌هایی داشته باشد تا یونیما بتواند با ایران مشارکت و همکاری داشته باشد. در واقع یونیما مثل یک چتر اســـت که این ۷۰ کشور را تحت پوشـــش خود قرار داده است و یکسان از همه حمایت می‌کند. هر یونیمای ملی باید برای خودش برنامه داشته باشد، برخی کشورها فعال‌تر هستند و برخی کم تحرک‌تر هستند.

منظور شما از فعالیت چیست؟

برگزاری کارگاه، کلاس‌های آموزشـــی، جشنواره‌ها، سمینار و... همه و همه از جمله فعالیت‌های مد نظر ما هستند. به‌عنوان مثال برگزاری این جشـــنواره اتفاق خوبی از نظر ما است.

با توجه به این تعداد بالای اعضای ایران در یونیما، فکر نمی‌کنید فعالیت و حمایت از ایران کم است؟

آن‌چه برای ما مهم اســـت این اســـت که شرایط عضویت در یونیما مطابق با حقوق بشر است. رنگ، نژاد، زبان، دیدگاه سیاسی و... هیچ‌کدام تأثیری در عضویت شما ندارند و فقط علاقه‌مند بودن به نمایش عروســـکی برای ما کافی است. بعد از ۸۰ سال اولین باری است که یک رئیس غیر اروپایی برای یونیما انتخاب می‌شـــود و خب قاعدتاً همه دوست دارند که در رأس باشند و به همه حکمرانی کنند اما ما تلاش داریم که نگاه و رویکرد ثابتی به همه کشورها و اعضای جهان داشته باشیم. البته اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم در ایران اتفاقی که افتاده این است که حتی خیلی از اعضا نمی‌دانند که یونیما چیســـت و گویا قرار نیســـت در ایران فعالیت‌های آن مطرح شود.

شما برای رســـیدن ایرانیان به شناخت بهتر از یونیما اقدام کرده‌اید؟

دایره‌المعارف یونیما به تازگی منتشـــر شـــده اســـت و امیدواریم بتوانیم این دایره‌المعارف را به زبان فارســـی هم در ایران منتشر کنیم و در دسترس اعضا و علاقه‌مندان قرار دهیم تا آشنایی بیشتری از یونیما بین ایرانیان صورت بگیرد. امیدواریم با این اقدام یونیمای ایران با این پتانســـیل بالای تئاتر عروسکی، فعال‌تر شود و ما هم بتوانیم حمایت بیشتر و بهتری از آن داشته باشیم.

در حال حاضر فضای تئاتر عروسکی ایران و جشنواره تئاتر عروسکی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در حـــال حاضـــر گروه‌هـــای خارجی زیادی بـــه ایران می‌آیند و فضای بازتری در زمینه تئاتر عروســـکی پدیدار شـــده است. من گروه‌های تئاتر عروسکی ایرانی زیادی را در جشنواره‌های خارجی دیده‌ام که اتفاقاً اجراهای موفق هم داشته‌اند. قبل از سفر به ایران همه می‌پرسیدند برای چه به ایران می‌روی؟ و من در جواب می‌گفتم فارغ از کیفیت جشـــنواره، می‌دانـــم اجراهای خوبـــی از ایرانیان و خارجی‌ها را در این جشـــنواره شاهد خواهم بود. در حقیقت مشکل تئاتر عروســـکی ایران این است که جهانی نیســـت و دنیا نمی‌داند که چه اجراهای موفق و خوبـــی در زمینه تئاتر عروســـکی در ایران رخ می‌دهد و وقتی هم که مـــا از این کارها تعریف می‌کنیم، آن‌ها تعجب می‌کنند. نیاز تئاتر عروسکی ایران امروز جهانی شدن است.

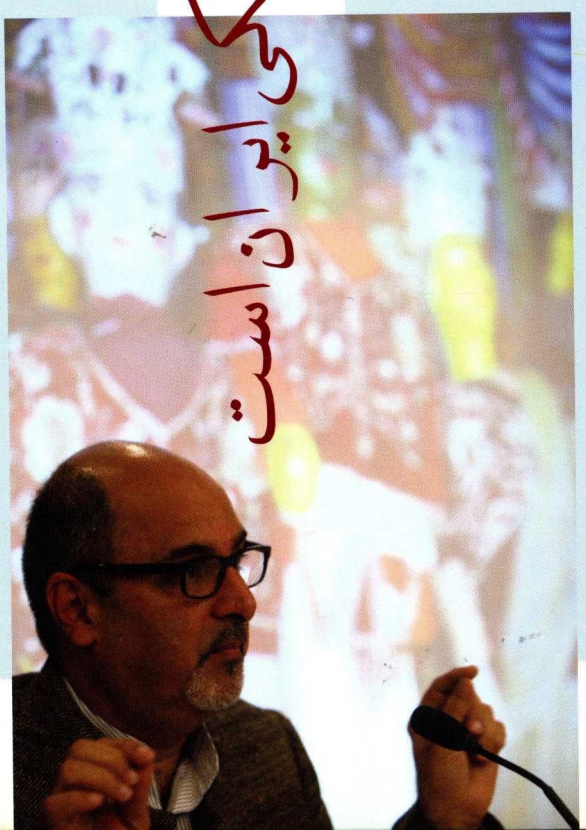

گفت‌وگو با لیا زولا، انسان‌شناس

ماسک خرس، تمثیلی از زایایی طبیعت است

«ماسک خرس در کارناوال‌های زمستانی ایتالیا» عنوان مقاله دکتر لیا زولا از ایتالیاست که در سمینار «سنت، عروسک، نمایش» ارائه شد. او هدفش از ارائه این مقاله را بررسی و آنالیز چندین مجموعه از الگوهای کارناوال سنتی ایتالیا می‌داند. در این مراسم مجریان پوشش حیوانی به تن می‌کنند و به پیروی از سنت‌های گذشته هنگام زمستان در دهکده‌هایشان به اجرای مراسم می‌پردازند. این آئین کارناوال‌ها در نسبت با تغییر فصول و نشانه‌های آن به اجرا در می‌آیند.

به همین بهانه با دکتر لیا زولا گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

موضوع مقاله‌تان را چگونه انتخاب کردید و چه تحقیقاتی درباره این ماسک‌ها قبل از سفر به ایران داشتید؟

من این موضوع را به این خاطر انتخاب کردم چون سال گذشته که دکتر اردلان را در کنفرانسی دیدم، راجع به ماسکی در ایران صحبت کرد که اتفاقا مشابه این ماسک را هم ما در ایتالیا داریم و اتفاق دیگر این است که ماسک‌هایی مشابه این در ایتالیا، خیلی زیاد داریم. به همین خاطر تصمیم گرفتم راجع به این ماسک‌ها و شباهت‌های آن‌ها با هم بنویسم.

اسم این ماسک در ایتالیا چیست و چه شناختی از مشابه ایرانی این ماسک‌ها دارید؟

نام ماسک ایران را نمی‌دانم. در حقیقت این ماسک‌ها در ایتالیا هم اسم خاصی ندارند. بلکه ماسک‌هایی از صورت حیوانات هستند که معمولاً به حیوانات زمستانی ارتباط دارند. در ایتالیا در فصل زمستان مردم این ماسک‌ها را به صورت می‌زنند و جشن‌هایی بر پا می‌کنند. همگی این ماسک‌ها بر گرفته از صورت حیوانات است. چند حیوان خاصی هستند که در این جشن، نقش خاصی دارند و نمادی از اعتقادات مردم هستند.

آیا این جشن برگرفته از آئین خاصی است و جایگاه و رویکردی مذهبی دارد؟

نه. ریشه مذهبی ندارند. اما اعتقادی وجود دارد مبنی بر این که در یک دوران خاص، مثل تغییر فصل‌ها، مرده‌ها دوباره زنده می‌شوند و مردم در این روزها، ماسکی را به صورت می‌زنند تا خودشان را از دست مرده‌ها محافظت کنند. این ماسک‌ها در حقیقت نوعی پوشش حفاظتی هستند و در عین حال نشان دهنده شخصیت خود فرد و احترامی که بین دیگران و یا آن مرده دارند، هم هست.

حیواناتی هستند مثل خرس که در تمام زمستان می‌خوابند، این حیوانات تمثیلی هستند از دنیای زندگی و مرگ. مهم‌ترین حیوان این ماسک‌ها هم خرس است چون کل زمستان را می‌خوابد. به‌همین خاطر مردم ایتالیا معتقدند خرس نمادی از مرگ است، چون کل یک فصل را می‌خوابد و دوباره در بهار بیدار می‌شود و این سمبلی از زندگی و مرگ است و از همین رو در این مراسم جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد.

این مراسم در فصل و در جاهای خاصی برگزار می‌شود؟

فصل برپایی این آئین عموماً در ماه فوریه است و به‌خصوص در روستاها برگزار می‌شود.

این ماسک‌ها با نمونه ایرانی‌اش ارتباط و شباهتی هم دارد؟

دکتر اردلان شباهت‌هایی از این دو را به من نشان داد و اطلاعاتی راجع به ماسک ایرانی در اختیار من گذاشت. در حقیقت شباهت‌های زیادی به لحاظ بصری میان این ماسک‌های ایرانی و ایتالیایی وجود دارد. در عکسی که آقای اردلان به من نشان داد، شباهت‌های زیادی وجود داشت. رنگ لباس‌ها عموماً طلایی و از پوست حیوانات است و سر خرس هم از شباهت‌های این دو هستند.

به‌لحاظ معنوی هم ارتباطی میان نمونه‌ایرانی و ایتالیایی وجود دارد؟

هر دوی این ماسک‌ها از یک طرف زندگی را نشان می‌دهند و از سوی دیگر نماد مرگ هستند. در حقیقت کارکرد هر دوی این‌ها تمثیلی از مرگ و زندگی است. در حقیقت این مسئله نشان دهنده زایایی و نوشدن طبیعت است و به نوعی حیات دوباره طبیعت و انسان‌ها را نشان می‌دهد.

۷

ژاک ترودو، دبیر یونیما:

علاقه‌مندان می‌توانند عضو یونیما شوند

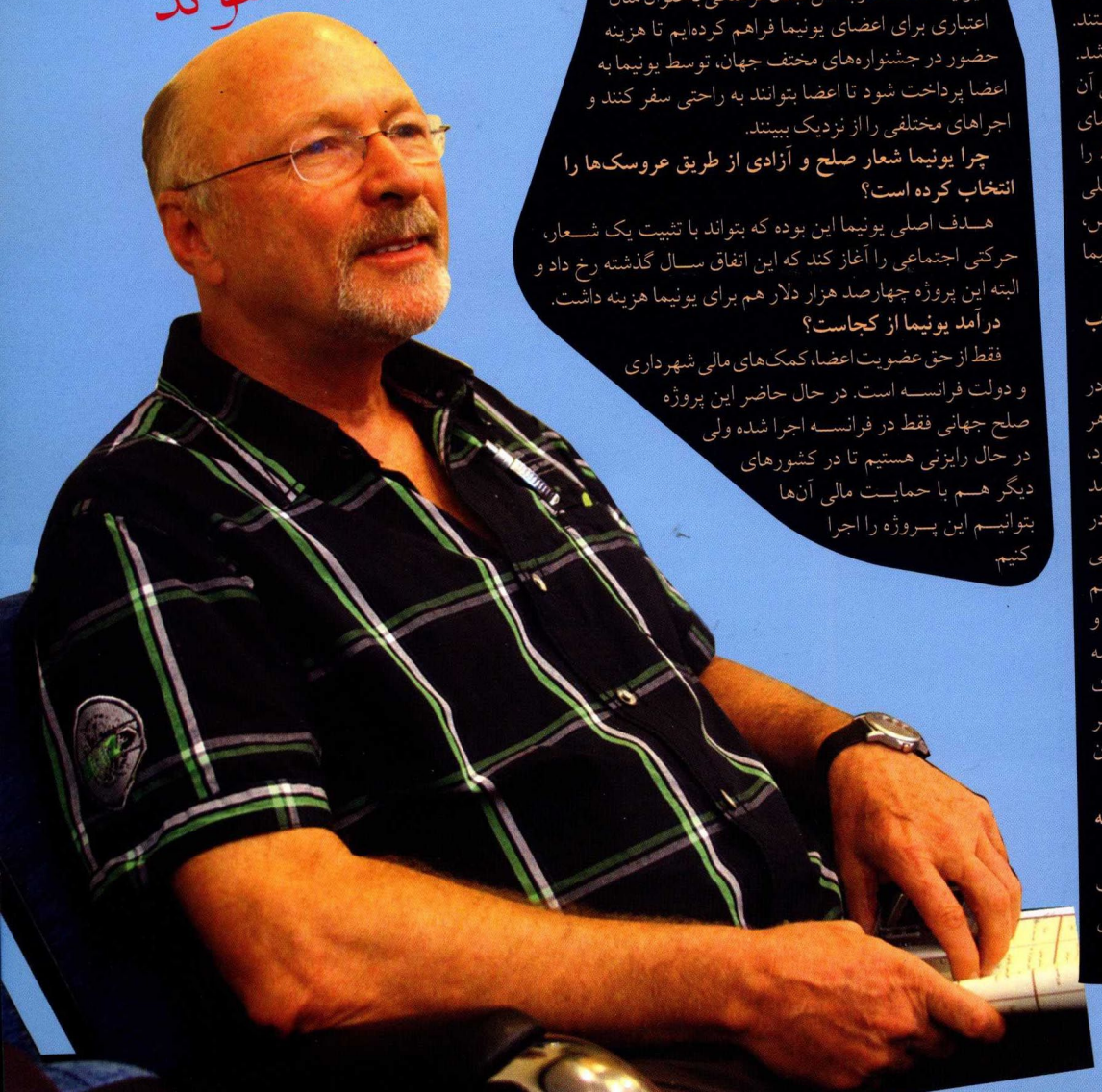

ژاک ترودو دبیر یونیما امسال برای دومین‌بار، میهمان جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی است. او علاقه‌زیادی به نمایش‌های عروسکی ایرانی دارد و با هنرمندان ایرانی رابطه خوبی دارد.

او امسال با مقاله «فرهنگ‌نامه جهان تئاتر عروسکی» در سمینار شرکت کرده بود و تا پایان جشنواره در ایران خواهد ماند.

ترودو می‌گوید حتی علاقه‌مندان هم به راحتی می‌توانند عضو یونیما شوند و در این‌زمینه هیچ محدودیتی وجود ندارد. به بهانه حضور او در این جشنواره با او گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

یونیما در ایران و حداقل برای ایرانیان تا حد زیادی ناشناخته است. می‌توانید افق بهتری از یونیما و فعالیت‌هایش را ترسیم کنید؟

یونیما انجمن جهانی نمایشگران عروسکی است. در حقیقت سازمانی است که نه تنها به نمایشگران عروسکی بلکه به تمام دوستداران و علاقه‌مندان تئاتر عروسکی اختصاص دارد. به‌همین خاطر کسانی که عضو یونیما هستند، هم علاقه‌مندان و هم هنرمندان حرفه‌ای این عرصه هستند. یونیما در سال ۱۹۲۹ در پراگ تأسیس شد. طی نشستی که در این سال در چکسلواکی آن موقع برگزار شد، تصمیم گرفته شد تا یونیمای جهانی شکل بگیرد. «پل‌ژان» این پیشنهاد را داد و یونیما شکل گرفت. آدم‌های خیلی مهمی مثل سرگئی ابراتسوف، ژان فیلیکس، مارگاریتا نیکولیسکو و... از اعضای یونیما بودند.

چرا فرانسه به‌عنوان مقر یونیما انتخاب شد؟

مقر یونیما البته در چک و سپس در لهستان، مسکو و... بود. در واقع در هر دوره‌ای رئیس یونیما از هر کشوری که بود، آن کشور به‌عنوان مقر یونیما انتخاب می‌شد تا این‌که بعد از اولین مجمع عمومی که در امریکا برگزار شد، فرانسه به‌عنوان مقر دائمی یونیما انتخاب شد. دلیل این انتخاب هم کمک‌های مادی و معنوی دولت فرانسه و شهرداری شارله مزیه بود. شهرداری فرانسه فقط سالانه ۱۰۰ هزار یورو به یونیما کمک مالی می‌کند. با این‌که هر ٤ سال یک‌بار دبیر یونیما عوض می‌شود اما مقر یونیما همچنان در «شارله مزیه» ثابت مانده است.

چند کشور عضو یونیما هستند و چه تعداد عضو دارد؟

در حال حاضر ۷۰ کشور به عضویت یونیما در آمده‌اند و هفت هزار نفر هم از کل جهان عضو یونیما هستند.

شرایط خاصی برای علاقه‌مندان عضویت در یونیما وجود دارد؟

نه. هر کس که علاقه‌مند تئاتر عروسکی هم باشد، می‌تواند عضو یونیما شود و سالانه موظف است ۳ یورو حق عضویت به یونیما پرداخت کند. از آن‌جایی که در این دوران مدرن، انسان‌ها علاقه‌مند هستند که عضو خانواده‌های بزرگتری باشند و یونیما هم یک خانواده بزرگ است، شرایط عضویت هم چندان سخت نیست و همگان می‌توانند عضو این خانواده بزرگ جهانی شوند.

چه کمیته‌هایی در یونیما فعال هستند.

در حال حاضر ۱۷ کمیته فعال در یونیما وجود دارد. کمیته‌های اطلاعات، آموزش، نشر، زنان، تبادلات فرهنگی و... از جمله فعالترین کمیته‌های یونیما هستند. در بخش تبادل فرهنگی به‌عنوان مثال اعتباری برای اعضای یونیما فراهم کرده‌ایم تا هزینه حضور در جشنواره‌های مختلف جهان، توسط یونیما به اعضا پرداخت شود تا اعضا بتوانند به راحتی سفر کنند و اجراهای مختلفی را از نزدیک ببینند.

چرا یونیما شعار صلح و آزادی از طریق عروسک‌ها را انتخاب کرده است؟

هدف اصلی یونیما این بوده که بتواند با تثبیت یک شعار، حرکتی اجتماعی را آغاز کند که این اتفاق سال گذشته رخ داد و البته این پروژه چهارصد هزار دلار هم برای یونیما هزینه داشت.

درآمد یونیما از کجاست؟

فقط از حق عضویت اعضا، کمک‌های مالی شهرداری و دولت فرانسه است. در حال حاضر این پروژه صلح جهانی فقط در فرانسه اجرا شده ولی در حال رایزنی هستیم تا در کشورهای دیگر هم با حمایت مالی آن‌ها بتوانیم این پروژه را اجرا کنیم

با این‌که مقر یونیما در فرانسه است اما رئیس و دبیر غیر اروپایی هستند. این مسئله چه تأثیری در سرنوشت یونیما دارد؟

این برای اولین بار است که دبیر هیأت مدیره، ملیت غیر اروپایی دارند و همین نشان دهنده این است که نگاه یونیما منحصر به قاره و کشور خاصی نیست و تمام کشورهای عضو یونیما واقعاً با هم برابر هستند.

عروسک‌ها در خیابان

۸

نمایش‌های خیابانی همچنان روزهای پراستقبالی را به نمایش می‌گذارند

استان کرمانشاه هم با دو نمایش میهمان این بخش از جشنواره است، سعید ذبیحی نمایش «داول کشی» را اجرا می‌کند و هومن روح تافی هم نمایش «افسانه شیواکمان» را. «داول‌کشی» آئینی قدیمی است در روستاهای اطراف کرمانشاه. «داول» به معنای مترسک است. این آئین‌از اواخر زمستان اجرا می‌شد. با آتش زدن «داول» سرمای زمستان رخت بر می‌بندد و بهار آغاز می‌شود. این نمایش به شیوه‌ای کاملاً عروسکی اجرا می‌شود.

عروسک‌ها به شیوه بونراکو ساخته می‌شوند منتها در هیبت و اندام انسان یعنی عروسک‌ها در اندازه عروسک گردان‌های خود ساخته می‌شوند.

هر عروسک را یک عروسک‌گردان هدایت می‌کند.

اما این آئین هم مانند بسیاری دیگر از آئین‌های روستای ایران دیگر اجرا نمی‌شود. کارگردان نمایش با کمک نویسنده کار که خود اهل آن منطقه است، نوآوری‌هایی در کار ایجاد کرده تا کار، نمایشی‌تر شود. اما اصل آئین، همان است. این آئین در ایام قدیم به‌صورت زنده اجرا می‌شده ولی ذبیحی معتقد است قابلیت عروسکی شدن را دارد. آن‌ها گروه ثابتی دارند به نام «باران» که از سال ۷۶ فعالیتش را آغاز کرده و از همان زمان به‌طور پیوسته فعالیت کرده است.

هومن روح تافی با اجرای نمایش «افسانه شیوا کمان» دیگر کارگردان کرمانشاهی حاضر در این بخش است. این نمایش روایت جدیدی از افسانه «آرش» است. نویسنده نمایشنامه تغییرات محدودی در روایت «آرش» ایجاد کرده که حاصل آن اجرای نمایش تازه‌ای است. در مجموع نمایش شش عروسک دارد که چهار تای آن نماینده اقوام ایرانی هستند و سیمرغ بزرگترین عروسک نمایش است. «سیمرغ» که موجودی ماورایی و ذهنی است، در این نمایش به‌صورتی بسیار بزرگ و با شکوه طراحی و ساخته شده است.

صحنه نمایش هم نقشه ایران است. در این نقشه کوه دماوند هم به‌خوبی نشان داده می‌شود. زبان نمایش هم ادبی و فاخر است و در نگارش متن از شعر آرش کمانگیر استفاده زیادی شده است. موسیقی هم حماسی است و از ساز دف استفاده شده است.

میثم یوسفی هم نمایش «مبارک‌نامه» را اجرا می‌کند. متن را علی شمس براساس طرح یوسفی نوشته است. در گذر تاریخ به درباره سلطان محمود غزنوی می‌رسیم که از فردوسی خشمگین است. «مبارک» در ظاهر «طلحک» به دربار شاه می‌آید و مدام قصه می‌گوید تا شاه را از کشتن فردوسی باز دارد. هرچند شاه مجاب نمی‌شود و دستور آتش زدن شاهنامه را می‌دهد، اما در می‌یابد کتاب ارزشمندی است که حتی اگرهم آن را در ظاهر آتش بزند اما فرهنگ ارزشمند ایران را نمی‌توان سوزاند.

عروسک‌های نمایش همان عروسک‌های خیمه شب‌بازی هستند با یک سری متعلقات حدود ۱۱ عروسک ساخته شده‌اند که داستان نمایش را برای مخاطبان عام روایت می‌کنند. نمایش لحظات شادی دارد اما چون درک داستان به دانستن مسائل بنیادی‌تری نیازمند است، برای بزرگسالان هم جذاب است.

رامین کحال‌زاده هم «ارابه نمایش‌های ایرانی» را به جشنواره آورده. این ارابه وقتی مستقر می‌شود، به شکل‌های مختلفی در می‌آید. در این ارابه هفت هشت گونه نمایش ایرانی اجرا می‌شود از خیمه‌شب بازی تا نقالی و پرده‌خوانی و... پدری همراه با دو پسرش سوار بر این ارابه، نمایش‌های ایرانی را مرور می‌کنند، آن‌ها گونه‌هایی فراموش شده از نمایش ایرانی را روایت می‌کنند، این گونه‌های نمایشی همه به صورت اصیل اجرا می‌شوند چون هدف، معرفی آنهاست. تکنیک اجرایی هم پرده خوانی است. کحال زاده برای اجرای این نمایش از برخی منابع پژوهشی استفاده کرده اما در بسیاری بخش‌ها، هیچ منبع مکتوبی وجود ندارد و او بیشتر از شنیده‌های افراد قدیمی استفاده کرده و با ذوق گروهش عروشک‌را طراحی کرده است.

یک گروه ثابت سه نفره دارند. مخاطبان کودک هم می‌توانند با این نمایش به‌خوبی ارتباط برقرار کنند چون آیتم‌هایی برای استفاده کودکان وجود دارد علاوه بر این نوجوانان و بزرگسالان هم می‌توانند مخاطبان این نمایش باشند. شکل و شمایل نمایش به گونه‌ای است که در همان آغاز، رهگذران را جذب خود می‌کند.

علی‌اصغر خطیب‌زاده نمایش «مبارک شیفته طلا» را از دامغان اجرا می‌کند. ایده نمایش از یکی از آئین‌های روستاهای دامغان گرفته شده است. در این آئین اگر رودخانه‌ای کم آب شود، بیوه زن یا پیرزنی را به عقد دائم آب در می‌آورند. در این نمایش قرار است نامزد مبارک به عقد آب در آید اما او تصور می‌کند قرار است نامزدش با مرد دیگری ازدواج کند و... این نمایش به صورت تلفیقی از زنده و عروسکی اجرا می‌شود. خطیب‌زاده می‌گوید شاید این آئین در خود دامغان هم چندان شناخته شده نباشد. او معتقد است این آئین‌به شیوه تلفیقی خیلی خوب جواب می‌دهد و اگر به صورت کاملاً زنده اجرا شود، شاید این اندازه جذاب نباشد. قرار است این آئین که جزو آئین‌های منسوخ است، با عروسک‌های دستکشی اجرا شود. این آئین چند صد سال قدمت دارد و حتی به صورت رسمی اجرا می‌شده.

نمایش با موسیقی محلی اجرا می‌شود و خطیب زاده از همین ترفند برای جذب تماشاگر استفاده می‌کند. در جای‌جای نمایش هم از عناصر دیداری بهره می‌گیرد. این آئین در جایی ثبت نشده و گروه «چکاد» دامغان از منابع شفاهی برای اجرای نمایش خود استفاده می‌کنند.

عروسک‌ها دیگر عروسک نیستند

مریم جعفری حصارلو

این روزها شاهد استقبال مردم از جشنواره عروسکی هستیم. این جشنواره از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و یکی از بخش‌های آن، بخش دانشجویی است. مسلماً تجارب دانشجویی متفاوت از تجارب حرفه‌ای است اما قدم بلندی برای حرفه‌ای شدن نسل جوان خواهد بود. جوان پویا که به دنبال به تصویر کشیدن ذهنیت خود و به‌دنبال نوآوری در خلق عروسک‌هاست.

در این‌جا قصد داریم دو نمونه از آثار دانشجویی که سعی در خلق و طراحی عروسک‌هایی متفاوت در اجرایشان دارند را معرفی کنیم.

نمایش «دخترای ننه دریا» که برگزیده یازدهمین جشنواره دانشجویی بود و در بخش طراحی و ساخت عروسک مقام اول و در بخش خلاقیت و نوآوری و موسیقی مقام سوم را کسب کرد و در بخش کارگردانی نیز کاندید شد، از کرج در بخش دانشجویی شرکت کرده است. لازم به ذکر است این نمایش پیش از این در روز سوم تیرماه سال جاری در جشنواره «بالیستوک» که یکی از جشنواره‌های معتبر جهان به شمار می‌آید شرکت کرد و با استقبال خوبی هم مواجه شد. این نمایش پروژه پایان‌نامه کارشناسی مریم شوقی است که نویسنده و کارگردان این نمایش نیز هست.

او با اقتباس از شعر «دخترای ننه دریا» تصاویر ذهنی خود را با این شعر تطبیق داده و در این راستا شعر را کمی تغییر داده‌است. متن نمایش از تلفیق اشعار، نریشن و طرح نمایشی حاصل شده. قصه این نمایش قصه دختری است که مشغول عروسک‌بازی است و عروسک خود را گم می‌کند و به واسطه این اتفاق وارد قصه ننه دریا می‌شود و دختر تصاویری را می‌بیند و به‌دنبال عروسک خود می‌گردد.

این نمایش دو بازیگر دارد با ماسک‌های اغراق شده و از لحاظ طراحی و ساخت عروسک‌ها ترکیبی از عروسک و نقاشی است. به این معنا که کلاژ عروسک و تابلوی نقاشی است که سر عروسک پیرمرد، عروسک است اما دست‌های او که از تابلوی نقاشی بیرون زده، دست‌های عروسک‌گردان است، بنابراین بخشهایی از عروسک متحرک و بخش‌هایی از آن قاب است.

از تابلوهای این نمایش می‌توان به تابلوی عمو صحرا، تابلوی پسرهای عمو صحرا، تابلوهای دخترای ننه دریا و... اشاره کرد.

ویژگی دیگر این نمایش وجود پرده‌هایی است که توسط ننه دریا باز و بسته می‌شوند و عروسک گردان‌ها سیاه هستند و با عروسک‌ها تلفیق شده‌اند.

بخش زنده، داستان پسربچه‌ای است که از کودکی تا پیری تعریف می‌شود و در دوران پیری دست به خودکشی می‌زند. در واقع به‌نوعی مبین پوچی زندگی است. در ابتدا متن فقط شامل بخش عروسکی بود و داستان فرشته‌ای را تعریف می‌کرد که به زمین می‌آید و سپس بخش زنده نیز نوشته و به متن اضافه شد. اساساً متن نوعی داستان کوتاه است و از یک طرح نمایش و بخش زنده تشکیل شده‌است. بخش نریشن که بیشتر شعرگونه نیز هست توسط عباس یوسفیان نوشته شده است. هر دو بخش نمایش دیالوگ ندارند و فقط نریشن هستند.

موسیقی کار انتخابی است و با توجه به حس مختلف در راستای فضاسازی انتخاب شده‌است.

عروسک‌ها، عکس بازیگران بخش زنده هستند، گویی کارگردان قصد

دارد میان بخش عروسکی و زنده ارتباط ایجاد کند و بنابراین عروسک‌ها دوبعدی‌اند و حرکت‌هایشان بیشتر خطی است. حرکت در فضای آزاد (فضای سیاه) دارند. در بخش عروسکی «عروسک سایه» نیز وجود دارد. زمانی که فرشته می‌خواهد به زمین بیاید، عروسک‌های سایه یادآور حرکت فرشته‌ها در ابرها هستند. این نمایش حدود ده عروسک دارد و عروسک‌گردان‌ها همان بازیگران بخش زنده هستند و چون جنس عروسک‌ها «عکس» بود بنابراین جنس لباس عروسک‌گردان‌ها «کاغذ» در نظر گرفته شده است. بنابراین در این دو نمایش، شاهد تغییرات خلاقانه در راستای ساخت عروسک و پرداخت نمایش‌های عروسکی هستیم.

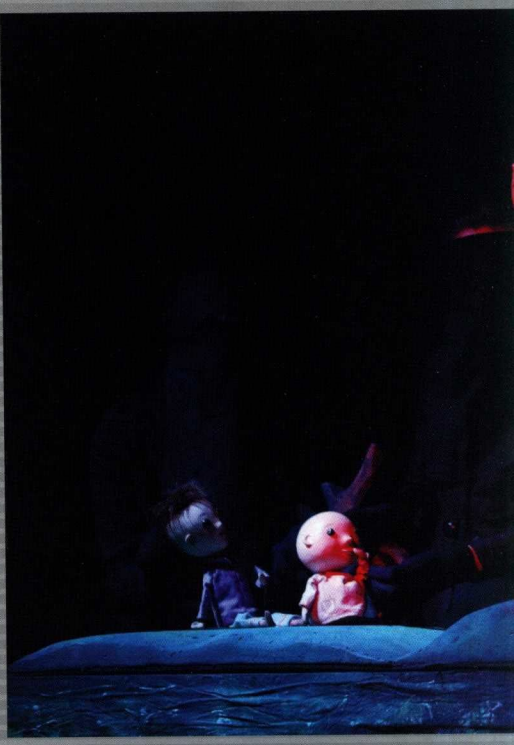

برای فرار از روزمرگی

درباره مریم معینی، کارگردان نمایش «منطق‌الطیر»

مریم معینی بعد از انجام تجربه‌های گوناگون در عرصه تئاتر عروسکی، این بار به سراغ عطار نیشابوری رفته‌است. او در سیزدهمین جشنواره تئاتر عروسکی نمایش «منطق‌الطیر» را به صحنه می‌برد. این نمایش در بخش صحنه‌ای جشنواره امسال به صحنه می‌رود.

داستان نمایش درباره شهری است که دچار روزمرگی شده است و حالا این شهر به قهرمانی نیاز دارد که از روزمرگی رهایش کند و به کمال برساندش. ساکنان این شهر هم مانند سی‌مرغی می‌شوند که به معرفت و کمال می‌رسند. سی‌مرغی که در نهایت یکی می‌شوند و می‌شوند «سیمرغ» و این آغاز تحول آن‌ها است.

مریم معینی در جشنواره پیش با طلا معتضدی همکاری می‌کرد که نتیجه آن اجرای نمایش «اوسند گم‌شده» بود. او حالا برای شرکت در جشنواره امسال با دیگر نمایشنامه‌نویس زن ایرانی همکاری می‌کند؛ نسیم احمدپور نمایشنامه «منطق‌الطیر» را برای معینی نوشته است.

قرار است این نمایش با استفاده از عروسک‌های بن راکو به صحنه برود. هادی عرب نرمی عروسک‌های بن راکو را طراحی کرده است. شیوه اجرای نمایش هم زنده عروسکی است. هر چند تم اصلی نمایش حفظ شده است اما نمایش به صورت مدرن اجرا می‌شود. دیگر نکته جالب در این نمایش، گروه اجرایی آن هستند. علاوه بر نویسنده و کارگردان که هر دو خانم هستند، گروه عروسک‌گردانی را نیز خانم‌های عروسک‌گردان تشکیل می‌دهند و در این گروه پنج شش نفره تنها یک عروسک‌گردان آقا حضور دارد. ضمن این‌که آهنگساز و طراح کوریو گرافی نمایش هم ملیحه رضاخان است.

الهام جعفری کارگردان نمایش «آن مرد گوژپشت»

موسیقی زبان نمایش است

الهام جعفری نمایش «آن مرد گوژپشت» نوشته اکبر حسنی را در بخش صحنه‌ای نمایش‌های شرکت‌کننده از تهران روی صحنه می‌برد. داستان نمایش رئال است اما جعفری با فضاسازی سوررئال این داستان را روی صحنه می‌برد. تمامی نمایش به شکل سیاه و سفید اجرا می‌شود و به گفته کارگردان برای بزرگسالان روی صحنه خواهد رفت.

داستان «آن مرد گوژپشت» درباره چیست؟

نمایش صحنه‌هایی از تهران قدیم در دوران قاجار و پهلوی را بازسازی می‌کند. فضای نمایش درباره ارتباط این نویسنده با شخصیت‌هایی است که خود می‌سازد و توهمی که در ارتباط با این شخصیت‌ها ایجاد می‌شود، به نمایش در می‌آید. شخصیت‌هایی که این نویسنده خلق کرده در نهایت داستان جدیدی را می‌سازند. این شخصیت‌ها با نویسنده درگیری پیدا می‌کنند که فضای ذهنی جدیدی به‌وجود می‌آید. شخصیت‌ها واقعی هستند و فضاسازی و شرایط زندگی این نویسنده هم در هر دوره واقعی است اما توهم او در ارتباط با شخصیت‌های داستان‌هایش روایت می‌شود که داستان تلخی را به نمایش در خواهد آورد.

از چه تکنیک عروسکی استفاده کرده‌اید؟

تکنیک نمایش ماریونت اتریشی است. من در نمایش‌های قبلی‌ام هم از این تکنیک استفاده کرده‌ام و شیوه کاری من بیشتر نخی است. من با این عروسک ارتباط بیشتری برقرار می‌کنم و معتقدم این تکنیک عروسکی به فضای داستان نزدیک‌تر است. چون این عروسک‌ها از لحاظ حرکتی کامل‌ترین حرکت‌ها را دارند و بدون این‌که حضور عروسک‌گردان حس شود، عروسک کاملاً در فضای نمایش قرار می‌گیرد و تماشاگر هم ارتباط بیشتری با این شیوه برقرار می‌کند و کاملاً فضا برای او ملموس خواهد بود.

طراحی صحنه و موسیقی نمایش چگونه است؟

در طراحی صحنه از یک سطح گردان استفاده کرده‌ایم و تمام قسمت‌های مختلف داستان روی آن سوار شده و می‌چرخد، تا جایی که می‌توانیم تعویض صحنه و نور نداریم. کل کار سیاه و سفید است برای این‌که به فضای قدیمی تهران دوره قاجار و پهلوی نزدیک‌تر شویم. این نوع نور به فضاسازی بیشتر کمک می‌کند. در طول کار فقط یک نور قرمز داریم و بقیه نمایش سیاه و سفید است. تا جایی که توانسته‌ایم از یک سری از نمادها مثل کافه نادری، مدارس قدیمی و خانه‌های قدیمی برای بازسازی تهران قدیم در طراحی صحنه استفاده کرده‌ایم تا فضای آن دوران بهتر به نمایش درآید. در استفاده از موسیقی هم سعی کردیم در سازبندی به این فضا نزدیک شویم. موسیقی در ایجاد فضای حسی صحنه بسیار کمک می‌کند و چون نمایش بی‌کلام است، موسیقی زبان نمایش می‌شود.

چرا نمایش بی‌کلام است؟

نمایشنامه به این شکل نوشته شده بود. من هم تأکید داشتم که نمایش بی‌کلام باشد چون به این نوع نمایش خیلی علاقه‌دارم. عروسک که زبان ندارد و با حرکت‌های المانی که انجام می‌دهد با تماشاگر ارتباط برقرار می‌کند این نوع کار بین‌المللی‌تر هم می‌شود. باید بار زبان نمایش و دیالوگ‌ها را به دوش موسیقی بگذاریم. موسیقی به‌همراه حرکت عروسک‌ها زبان نمایش را می‌سازد و می‌تواند با تماشاگر ارتباط برقرار کند. چون عنصر کلام را حذف کردیم کار سخت‌تر شد اما حدود ۳۰ عروسک در سایز ۴۰ تا ۴۵ سانت داریم که می‌توانند مفهوم را منتقل کنند. از قبل از عید امسال مشغول ساخت عروسک‌ها هستیم که جنس آن‌ها از خمیر پارچه و چوب است. چهره عروسک‌ها رئال است اما طراحی، رنگ و فضاسازی نمایش سوررئال است تا بتوانیم مفهوم را به‌وسیله این نوع فضاسازی منتقل کنیم.

یادگاران ادبیات کهن ایران

محمد مطلق

چگونه می‌توانیم ادبیات کلاسیک را به آثاری نمایشی برای کودکان و نوجوانان تبدیل کنیم؟ همان طور که می‌بینید با طرح این پرسش ناچاریم ابتدا پیوندی تئوریک میان مقوله‌های ادبیات کلاسیک، نمایش و کودک و نوجوان برقرار کنیم که به نظر نمی‌رسد چندان کار ساده‌ای باشد. شاید هم حاصل کار و مفهوم نهایی چیزی در حد یک سرهم‌بندی نچسب از آب درآید. اجازه دهید بر خلاف شیوه قرن هفدهمی اندیشه انگلیسی که در آن مفاهیم دوتایی باهم ترکیب می‌شوند، به شیوه قرن هجدهمی نظریه‌پردازان آلمانی، تک‌تک مفاهیم را زیر ذره‌بین ببریم تا شاید از طریق تجزیه و مقایسه به نتیجه بهتری برسیم و از یاد نبریم که در این رهگذر به ابزار و مواد دیگری هم نیاز داریم از جمله روایت و زبان.

ادبیات کلاسیک سراسر روایت‌گری می‌کند و زبان غالب این روایت شعر است نه نثر. اساساً نثر به معنای خلاقه آن یعنی «ثبت خودآگاه واقعیت» مقوله‌ای است مدرن که معادل «سواد به معنای نو» نیز به کار می‌رود. ادبیات اساطیری، پهلوانی و پس از آن رمانس‌ها که قصه‌های عشق و فضیلت‌اند، اغلب از قواعد زبان شعر بهره می‌برند نه نثر و اگر همچون «هزار و یک شب» با نثر طرفیم، می‌توانیم بگوییم نثر این قصه‌ها براساس قواعد «کتابت» شکل گرفته نه «نوشتن» و به همین دلیل آن را می‌توان به جای خواندن، شنید. شنیدن، بنیان شعر است و خواندن بنیان نثر. در دوره رمان که پس از ادبیات اسطوره و رمانس، سومین مرحله از روایت‌گری در ادبیات است اما دامنه روایت تنها به ادبیات ختم نمی‌شود؛ در این مقوله باید تاریخ، روایت‌های دینی و بسیاری مقوله‌های دیگر از جمله ژورنالیسم را هم گنجاند. این مقوله‌ها با وجود همه تفاوت‌ها در یک چیز مشترک‌اند و آن نیاز به راوی است. اولین تضاد تئوریک میان ادبیات کلاسیک به عنوان بخش مهمی از روایت با نمایش و درام این‌جا آشکار می‌شود که باید آن را به گونه‌ای حل کرد:

ما کی روایت می‌کنیم؟ وقتی حادثه‌ای اتفاق افتاده و اکنون زمانی از آن گذشته است. به زبانی دیگر ما هیچ گاه زمان حال را روایت نمی‌کنیم، زمان حال همیشه جنبه نمایشی دارد: «من دارم به خیابان می‌روم»، «من به خیابان رفتم» عبارت اول نمایش و عبارت دوم روایت است. در «سواد به معنای جدید» یا دوران رمان‌نویسی، نویسنده به ترکیبی از هر دو زمان و روایت و نمایش نیاز دارد که یکی از بزرگترین دردسرهاست اما روی صحنه تئاتر چطور می‌توانیم متنی را که اساس آن روایت‌گری است نمایش دهیم؟

باید قبول کرد مشکل اصلی نه تعارض بین دو گونه هنر یعنی ادبیات و نمایش بلکه میان دو زمان حال و گذشته است. چگونه زمان گذشته را می‌توان به حال تبدیل کرد و بی حضور راوی آن را به اجرا گذاشت؟ به نظر می‌رسد در این جابه‌جایی زمانی و به تبع آن تبدیل روایت به عمل نمایشی و حذف راوی، بخشی از ادبیات از دست می‌رود: «شبی یاد دارم که چشمم نخفت/ شنیدم که پروانه با شمع گفت» اگر بخواهیم این روایت سعدی را روی صحنه ببریم، تنها کاری که از دست‌مان ساخته است این است که مردی را نشان دهیم که در بستر نشسته و خواب به چشمش نمی‌رود. نمایش با گفت‌وگوی شمع و پروانه آغاز می‌شود و پیش از آن سعدی هر چه گفته جز دور ریختن به درد دیگری نمی‌خورد.

می‌گویند وقتی سعدی بوستانش را می‌نوشت، شبی فردوسی را به خواب دید: فردوسی پرسید شنیده‌ام کتابی می‌نویسی که هم‌وزن شاهنامه من است، بیتی بخوان ببینم! سعدی گفت: «خدا خواهد آن‌جا که کشتی برد/ وگر ناخدا جامه بر تن درد» فردوسی گفت: «برد کشتی آن‌جا که خواهد خدای/ وگر جامه بر تن درد ناخدای» وزن و آهنگ هر دو بیت یکی است، همه کلمات هم همان‌ها هستند اما واقعاً این دو یکی نیست و هر کدام حرفی غیر از دیگری می‌زند. همه این‌ها را با چه تکنیکی نمایش خواهیم داد؟ یادمان نرود که فقط با ادبیات روبه‌رو نیستیم و باید به فکر نمایش هم باشیم. آیا اگر نام شخصیتی را گذاشتیم «عبدالعزیز» و یکی در گوشه کاخش فریاد کشید: «قحطی شیره جان مردم را مکیده» و عبدالعزیز انگشترش را به او داد که برای مردم نان و خرما بخرد، ما بوستان را نمایشی کرده‌ایم؟ این نه بوستان است نه نمایش، نه آن چیزی که سعدی می‌گوید و نه چیزی که کارگردان از تعاریف نمایش به یاد دارد مگر این‌که سقف خواسته‌هایمان را پایین بیاوریم و بگوییم: «به ذهن بچه‌ها تلنگر می‌زند» و البته چرا که نزند. هر چیزی می‌تواند به ذهن بچه‌ها تلنگر بزند چه بهتر که چیزی شبیه بوستان و چیزی شبیه نمایش باشد. چنین اثری تنها مورد ستایش افلاطون است؛ او که شاعران را از آرمان‌شهر خود بیرون راند مگر آن‌هایی که برای «تهییج سپاهیان» و «تربیت فرزندان» می‌سرایند.

اگر به فرضیه اول «تعلیم و تربیت» را هم اضافه کنیم آن وقت باید نیمی از سعدی را ندیده، کنار بگذاریم هم به دلیل طرح برخی ناهنجاری‌ها و هم به دلیل تعارض‌های عمیق. او جایی می‌گوید: «نرود میخ آهنین در سنگ» یا «تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است» و در جایی دیگر: «سگ اصحاب کهف روزی چند پی مردم گرفت و آدم شد»

به نظر می‌رسد تئوری ما را به بن‌بست رساند اما کار تئوری‌باف این است که از این پیچ و خم‌ها بگذرد. مجال نیست و تیتروار به دو موضوع مهم اشاره می‌کنم. ابتدا نقل قولی از مارکز: «سینما هنر تواضع است.» به این دلیل که هنری ترکیبی است، درست مثل تئاتر. در هنر ترکیبی هر یک از عناصر باید متواضعانه بخش مهمی از خویش را انکار کنند تا ترکیب صورت پذیرد. اگر یک درخت گلابی و یک درخت سیب را کنار هم بکاریم هیچ وقت آن دو یک درخت نمی‌شوند مگر این‌که نیمی از سیب و نیمی از گلابی را ببریم و دور بیندازیم. موضوع دوم این‌که قرار نیست ما قواعد را به همان شکل از یک گونه هنری به گونه‌ای دیگر منتقل کنیم بلکه با درک قواعد می‌توانیم چیزی نو بسازیم. مترجم «انه اید» ویرژیل زبان باستانی رومی را به زبان باستانی پارسی ترجمه می‌کند تا حس کهن بودن را منتقل کرده باشد اما او ما را با دو مشکل مواجه می‌کند؛ داستانی که باید بخوانیم و زبانی که بلد نیستیم با آن بخوانیم. به عکس مترجم «ایلیاد» و «ادیسه» هومر زبان یونان را به زبان معیار فارسی امروز برمی‌گرداند در عین حال که حس کهن بودن یکسره در ما زنده است. خواننده پیوسته از خود می‌پرسد این ترجمه زبانی همچون کلیله و دمنه دارد اما چرا آن را می‌فهمم؟ این راز بزرگی است که مترجم خوب درک کرده است. او تنها با دستکاری بافت زبان معیار به ما می‌قبولاند متنی که می‌خوانیم هزاران سال پیش نوشته شده است.

کارگردن بزرگترین لذت هنرمند است

با حسن دادشکر، کارگردان «بهار اومد»

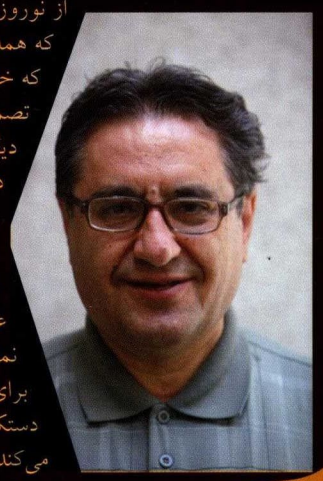

حسن دادشکر جزو هنرمندانی است که در اوایل دهه ۵۰ نمایش عروسکی را نزد اسکار باتک، کارگردان اهل چک آموخت. او پس از آن همواره وفاداری‌اش را به تئاتر کودکان و عروسکی نشان داد. دادشکر در جشنواره سیزدهم تئاتر عروسکی نمایش «بهار اومد» را در بخش میهمان اجرا می‌کند.

حسن دادشکر برای اجرای نمایش «بهار اومد» دو سال انتظار کشید. چرا که شرایط اجرای این نمایش فراهم نمی‌شد تا این‌که بحث جشنواره تئاتر عروسکی پیش آمد و به دعوت برگزارکنندگان جشنواره، قرار شد این نمایش در بخش میهمان این دوره از جشنواره به صحنه برود.

نمایش «بهار اومد» درباره مراسم‌های پیش از نوروز است. ماجرا از آن‌جا آغاز می‌شود که همه در حال خانه‌تکانی نوروزی هستند که خانه عنکبوت خراب می‌شود. عنکبوت تصمیم می‌گیرد انتقام بگیرد و ماجراهای دیگری پیش می‌آید. دادشکر در آغاز قصد داشت این نمایش را به صورت تلفیق تئاتر زنده و عروسکی اجرا کند اما بعد که اجرای نمایش در جشنواره تئاتر عروسکی قطعی شد، تصمیم گرفت نمایش را به صورت کاملاً عروسکی به صحنه بیاورد. عروسک‌های نمایش اما همچنان ترکیبی هستند. او برای اجرای این نمایش از عروسک‌های دستکشی، ماریونت و میله‌ای استفاده می‌کند. دادشکر با اجرای این نمایش متن‌های نوروزی و آداب و رسوم آن را به تماشاگران کودک و نوجوان خود منتقل می‌کند.

او که نمایش خود را در کانون پرورش فکری تمرین می‌کند، سال‌های دور را به یاد می‌آورد. سال‌هایی که اسکار باتک، کارگردان نمایش عروسکی اهل چک در کانون پرورش فکری، تئاتر عروسکی را آموزش می‌داد و دادشکر هم مانند بسیاری از دانشجویان تئاتر دانشکده هنرهای زیبا، تئاتر عروسکی را پیش این استاد آموخت و در نمایش «شنل هزار قصه» باتک هم کار کرد. کودکی که اسباب‌بازی‌اش اسب چرمی عروسکی بود، در سال‌های جوانی جذب کانون شد و در این مکان بود که تجربه‌های گوناگونی را در تمام حیطه‌های تئاتر عروسکی به دست آورد: «در کانون همه کاری می‌کردیم و تمایز چندانی قائل نبودیم. هدفمان اجرای نمایش بود. همه یک گروه بودیم.» دادشکر اما تنها در حیطه تئاتر عروسکی فعالیت نکرده است. او درباره تأثیرپذیری تئاتر عروسکی و صحنه‌ای می‌گوید: «این ها دو مقوله و ریشه‌اند که از یک منبع تغذیه می‌شوند اما مانند دو درختی هستند که میوه‌هایشان متفاوت است. با این حال من بیشتر به تئاتر عروسکی علاقه‌مندم و برای این‌که از دنیای تئاتر صحنه بی نصیب نمانم در کنار فعالیت‌های معمولم به نوعی در کارهای حرفه‌ای بزرگسال هم قرار گرفتم.»

با وجود تمام مشکلات کارهای کودک و عروسکی همچنان در این حیطه فعال است و وفادار: «مشکلات همیشه بوده و هست. زمانی که من کار می‌کردم، عشق وافری به کارمان داشتیم. به سختی‌ها و بی پولی‌ها راحت‌تر تن می‌دادیم. ما بیشتر با عشق کار می‌کردیم اما جوانان امروز بیشتر با منطق ریاضی‌گونه کار می‌کنند و این نگاه دامن‌گیر بسیاری از رشته‌های هنری ما شده‌است. کسانی هم هستند که می‌خواهند یک شبه ره صدساله را طی کنند که این در هیچ کجای دنیا ممکن نیست چرا که کار هنری، دانش و عشق می‌خواهد و صبر و حوصله.»

دادشکر با این‌که تأثیرات بازی‌های رایانه‌ای را بر کودکان امروز می‌داند اما معتقد است: «اگر تئاتر درست و خوب و خلاقه اجرا شود در هر شرایطی بر تماشاگر اثر می‌گذارد. هر چیزی مقام و منزلت خود را دارد اما متأسفانه ما در هر زمینه‌ای افراط و تفریط می‌کنیم. یا آن قدر مدرن کار می‌کنیم که سنت‌ها را به فراموشی می‌سپاریم یا آن قدر سنتی که از دنیای جدید دور می‌افتیم. اما هنرمند کسی است که میان هر دو زمانه پل بزند.» به مشکل دیگری هم اشاره می‌کند که عدم استمرار کارهای عروسکی است: «نمایش عروسکی و کودک تولید مداوم ندارد. تئاتر باید وارد سبد فرهنگی خانوار شود که اگر چنین شود، در همه سطوح جایگاه خاص خود را پیدا می‌کند.»

او هم مانند برخی از هنرمندان دیگر می‌داند که بخشی از تئاتر ما را جشنواره‌ها زنده نگه داشته‌اند که جشنواره عروسکی هم نقش مهمی در سر پا نگه داشتن این شاخه هنری داشته و دارد: «جشنواره باعث تولید می‌شود اما باید با تولید مستمر، کارها را غنا بخشید تا از شتاب‌زدگی بیرون بیایند.»

نگاهی به نمایش «ماه شب دیگر» به کارگردانی شارلوت پویک پولن

وقتی از خواب برمی‌خیزیم

ایران احمدپور

نمایش عروسکی نمایشی است که از بسیاری از محدودیت‌های نمایش صحنه‌ای غیر عروسکی رها است و در این گونه نمایش به‌دلیل امکانات نامحدود مجال و عرصه فراوانی برای بروز تخیل وجود دارد و هم از این رو است که بسیاری از نمایش‌های تجربی و مدرن که می‌خواهند پا را از محدوده قواعد رئالیستی بیرون بگذارند و به ساحت تخیل پا بنهند از عروسک در نمایش‌هایشان بهره می‌گیرند و نام بسیاری از بزرگان تئاتر تجربی از آنتون آرتو تا پیتر شومان با عروسک پیوند خورده است. گروه نمایش «ماه شب دیگر» نیز سعی می‌کنند از این امکان نمایش عروسکی نهایت استفاده را ببرند و شاهد نمایشی سرشار از تخیل، رویا و تصاویر شاعرانه هستیم و از همین رو نمایش موفق می‌شود ارتباط کاملی بامخاطبش- حتی اگر گفتار نمایش را نفهمد- بر قرار کند، چرا که نشانه‌های نمایشی به خوبی در نمایش جریان می‌یابد و تماشاگر به‌راحتی موفق به تفسیر آن می‌شود.

دلایل برقراری ارتباط مخاطب ایرانی با این نمایش خارجی را می‌توان در چند عامل ساده جست‌وجو کرد. نخستین عامل به نمایشنامه اثر باز می‌گردد. نمایشنامه‌ای ساده و فاقد پیچیدگی که اصول و قواعد درام از جمله کشمکش، نیروهای آنتاگونیست و پروتاگونیست را در خود دارد و هم ساختار قصه‌ها و افسانه‌ها را به خوبی می‌شناسد. نمایشنامه این اثر در عین سادگی سرشار از رویا و لحظات زیبایی است که تخیل تماشاگر را به پرواز در می‌آورد و مضمون آن نیز که درباره وزیدن سنگ درخشان و به نوعی نابودی خواب و رویاست کاملاً با این جهان تخیلی نمایش ارتباط دارد. در حوزه اجرا نیز کارگردان به‌خوبی موفق می‌شود جهان تخیلی نمایشنامه را در صحنه بازسازی کند. اوبرای خلق این جهان تخیلی از تمهیداتی بهره می‌گیرد تا این فضا را نزد مخاطب باز سازد. از جمله این تمهیدات می‌توان به شکستن قاعده‌های تناسب و اندازه اشاره کرد. شخصیت‌های غول‌پیکر در کنار شخصیت‌های بسیار کوچک قرار می‌گیرند. یک شخصیت واحد گاه بسیار درشت و گاه بسیار ریز نشان داده می‌شود و همین امر تخیل مخاطب را بر می‌انگیزد. دومین عامل برانگیختن تخیل در این اجرا نحوه استفاده گروه اجرایی از نور و دکور صحنه است، دکوری دارای بافت موج دار و پر از چین و چروک که‌با تغییر زاویه نور هر بار منظری متفاوت به‌خود می‌گیرد و به این بافت دکور باید استفاده از بعد و حجم را نیز اضافه کرد که در هماهنگی کامل با نورپردازی نمایش فضای تخیلی مد نظر اجرا به‌خوبی ساخته می‌شود. سومین عامل ایجاد تخیل به شخصیت‌پردازی نامأنوس اجرا مربوط می‌شود. در این اجرا از شخصیت‌های کاملاً تخیلی چون مورفوس و هیپنوس تا شخصیت‌های برخاسته از فابل‌ها و قصه‌های حیوانات همچون کلاغ و گربه تا شخصیت انسانی و واقعی چون ایریس یا همان دختر قهرمان قصه به چشم می‌خورد. جدای از عامل تخیل و نمایشنامه که دو عامل عمده موفقیت این اجرا است، «ماه شب دیگر» در دیگر حوزه‌های نمایش از موسیقی گرفته تا نور، می‌گیرد. در این نمایش ما شاهد فضای کاملاً وهم‌آلود در کنار فضای شاد و فانتزی و فضای کاملاً تلخ در کنار فضای کاملاً شیرین و سرگرم کننده هستیم. این تنوع فضا باعث می‌شود مخاطب در طول اجرا احساس کسالت نکند و تنوع اجرا او را با خود تا پایان نمایش بکشاند.

دست‌آخر نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل موفقیت اجرا باید به تصاویر متنوع و بدیع نمایش اشاره کرد و هر لحظه از نمایش به لحاظ بصری با تصویرهای زیبایی روبه‌رو می‌شویم که لذت بصری برای مخاطب ایجاد می‌کند.

بازی و عروسک‌گردانی نیز نمایش موفقی نشان می‌دهد اما مهم‌ترین عامل موفقیت نمایش را باید در هماهنگی کامل تمامی این عناصر جست‌وجو کرد، یعنی هنگامی که قرار است صحنه‌ای شاد خلق شود تمامی عوامل از نور و صدا گرفته تا ریتم و رنگ به کمک خلق این فضای شاد می‌آیند و هنگامی که قرار است فضا به سمت رعب و وحشت یا اندوه برود تمامی عوامل نمایش در یک هارمونی و هماهنگی کامل دست‌به‌دست هم می‌دهند و این فضا را باز می‌سازند. در همان حال نمایش «ماه شب دیگر» از تنوع فضا نیز بهره

تمامی این عوامل باعث می‌شود «ماه شب دیگر» فارغ از گفتار و تنها به وسیله عواملی چون حرکت و تصویر بام خاطب ایرانی ارتباط بر قرار کند و این ارتباط کاملاً ارتباطی موفق است و این نمایش را می‌توان یکی از آثار موفق خارجی در جشنواره دانست. این گروه با توجه به حضورش در دوره‌های گذشته جشنواره ثابت کرده که از گروه‌های تجربی است که راه ارتباط با مخاطبش را به خوبی می‌شناسد.

عروسک‌های کاغذی و حضور زنده نقال

نگاهی به نمایش رابینسن کروزو
به کارگردانی آلن لکوک از فرانسه

رضا آشفته

رابینسن کروزو رمانی آشنا و کلاسیک برای آدم‌های ماجراجو است. رمانی حادثه‌ای که برای نوجوانان می‌تواند بسیار جذاب باشد. این رمان بارها تبدیل به فیلم، انیمیشن و سریال شده است و این بار آلن لکوک آن را به شیوه تئاتر عروسکی کاغذی اجرا می‌کند. شیوه‌ای که در نوع خود نوآورانه به شمار می‌آید. هر چند که داستان قدیمی است و نقاشی‌ها هم برگرفته از دوران کلاسیک است. آن‌چه لکوک فرانسوی نقل می‌کند به طور زنده و در زمان حال همان روایت‌گری و نقالی است که در دوره‌های مختلف و در کشورهای بسیار به گونه‌های متفاوت اجرا می‌شده است. حتی در زمانه معاصر نیز قصه‌های مصور در مجلات یک وسیله سرگرم کننده برای بچه‌ها بوده است. اما در اثر لکوک سعی شده که این تصاویر در قالب و مدیوم نمایش اجرا شود و البته شهرت این هنرمند در سطح بین‌المللی هم به خاطر پردازش آن در تئاتر است. یعنی از تلفیق نقاشی و نقالی یک شیوه تئاتر عروسکی را باب کرده که عنصر اصلی آن کاغذ است. هنرمند باید آن چه را می‌خواهد روایت کند، باید با نقاشی روی کاغذ و رنگ‌آمیزی آن تلفیق و همراه کند.

لکوک قصه‌گوی قابلی است و البته ساده‌تر و موجزتر از خود رمان رابینسن کروزو آن را برای بچه‌ها تعریف می‌کند و در ضمن می‌کوشد تا توانمندی‌های شیوه تئاتر کاغذی را معرفی کند. برای آن‌که او به دعوت جشنواره تئاتر عروسکی آمده است تا این شیوه را بیاموزاند و یک نمونه از این شیوه را نیز در معرض دید عموم و هنرجویان قرار دهد. ما با این شیوه آشنا نیستیم، شاید با نمونه‌های مشابه یا نزدیک به آن عجین باشیم اما این شیوه که به نام تئاتر کاغذی به ما معرفی می‌شود، از تازگی برخوردار است. شیوه‌ای که احساس می‌شود نیازمند قصه و روایت‌گری است. این هم به خاطر جذابیت‌های ظاهری برای جذب مخاطب است. اگر ما بخواهیم قصه را حذف کنیم یا بخواهیم آن را دچار پیچیدگی‌های رایج و مدرن کنیم، این چندان جذابیتی برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان ندارد. قصه عنصر اصلی برای رودررو شدن با بچه‌هاست و یک خطی بودن کمک لازم را می‌کند تا دچار افت فکری و گسست ذهنی از روند پیش‌برنده قصه نشوند.

لکوک قصه را در همراهی مدام و پیوسته نقاش های متحرک و ثابت روایت می‌کند. خوشبختانه مترجم مسلط و جوانی نیز قصه را برای تماشاگر ایرانی در لحظه به فارسی برمی‌گرداند.

رابینسن کروزو پیش از آن‌که در یک جزیره متروک آواره شود و به تنهایی از پس تداوم زندگی برآید، جوانی است که در یک خانواده متمول انگلیسی زندگی می‌کند اما او نمی‌خواهد خود را با همه چیز آماده آشتی دهد. دنبال رفتن و سفر می‌گردد تا دنیا را خود کشف کند. همین نکته‌ای است که می‌تواند قصه را برای هر نوجوانی جذاب کند. آن‌ها همگی به دنبال یافتن خود و دنیای پیرامونشان هستند و این قصه رفتن برای کشف خویشتن و استقلال شخصیت را به مخاطبش سفارش می‌دهد. در لحظه عروسک‌ها در اندازه‌های کوچک و بزرگ در دست نقال قرار می‌گیرند تا تنوع بصری نیز عامل دیگری باشد تا چشم‌نوازی آن مانع از خستگی ذهنی تماشاگر شود. البته خود لکوک با شیوه قصه‌پردازی چندگانه و متنوعش جذابیت اصلی را برای راضی نگهداشتن مخاطب ایجاد می‌کند. در این نمایش موسیقی حضور ندارد و نور هم به طور کمرنگ در نمایش مشارکت دارد و آن در حد تقطیع صحنه‌هاست. قصه، نقال و عروسک‌ها و صحنه‌پردازی که این دو عنصر آخری بوی کاغذ و رنگ (نقاشی) می‌دهند.

لکوک در لحظه با کلمه و دادن حرکت به عروسک ارتباط لازم را با تماشاگر برقرار می‌کند. اعتماد به نفس بالایی دارد و بر بداهه‌پردازی و طنز آگاه است. این دو نکته مانع از پرت شدن حواس تماشاگر خواهد شد. از سوی دیگر تک تک عروسک‌هایش را می‌شناسد و بدون اشتباه آن‌ها را وارد نمایش و از آن خارج می‌کند. اگر آدم مسلطی نبود مطمئنا اشتباه فاحشی می‌کرد. او به تنهایی با مجموعه‌ای از عروسک‌ها و چندین صحنه متفاوت و یک قصه پرماجرا کنار می‌آید. تماشاگر هم وارد گود می‌شود و از قصه لذت می‌برد و شاید برخی از بزرگترها با این قصه میانه‌ای پیدا نکنند و البته هدف لکوک هم سنین نوجوانی و کودکی است که در این باره موفق عمل می‌کند.

نمایش رابینسن کروزو قصه سرراست دارد و عمیق شدن مخاطب به شخصیت کروزو برمی‌گردد که پیشنهاد می‌دهد برای کسب موفقیت از سفر، ماجراجویی و ریسک کردن نهراسند. این پیشنهاد به طور غیر مستقیم ناخودآگاه مخاطب- به ویژه نوجوانان- را تحریک می‌کند تا در یافتن خود و بازنمایی یک دنیای منحصر به فرد از هیچ تلاش و جست‌وجویی چشم نپوشد. فکر نمی‌کنم بیش از این بخواهیم از یک روایت انتظار داشته باشیم زیرا که هر روایت بنابر تعریف ارسطویی‌اش یک نکته بارز را در برخواهد گرفت و اگر این تم یا درون‌مایه غیر مستقیم باشد، روایت از جذابیت و دوام و دامنه ماندگاری بالاتری برخوردار می‌شود. این‌که این روایت پس از سه چهار سده تاریخ ادبیات را درنوردیده و توانسته در قرن بیست و یکم به شیوه تئاتر عروسکی در اختیار مخاطبان قرار گیرد، بزرگترین دلیل برای درست و حسابی بودن این رمان کلاسیک است وگرنه تا الان تاریخ مصرفش سپری شده بود و ما هیچ نام و نشانی از آن نداشتیم.

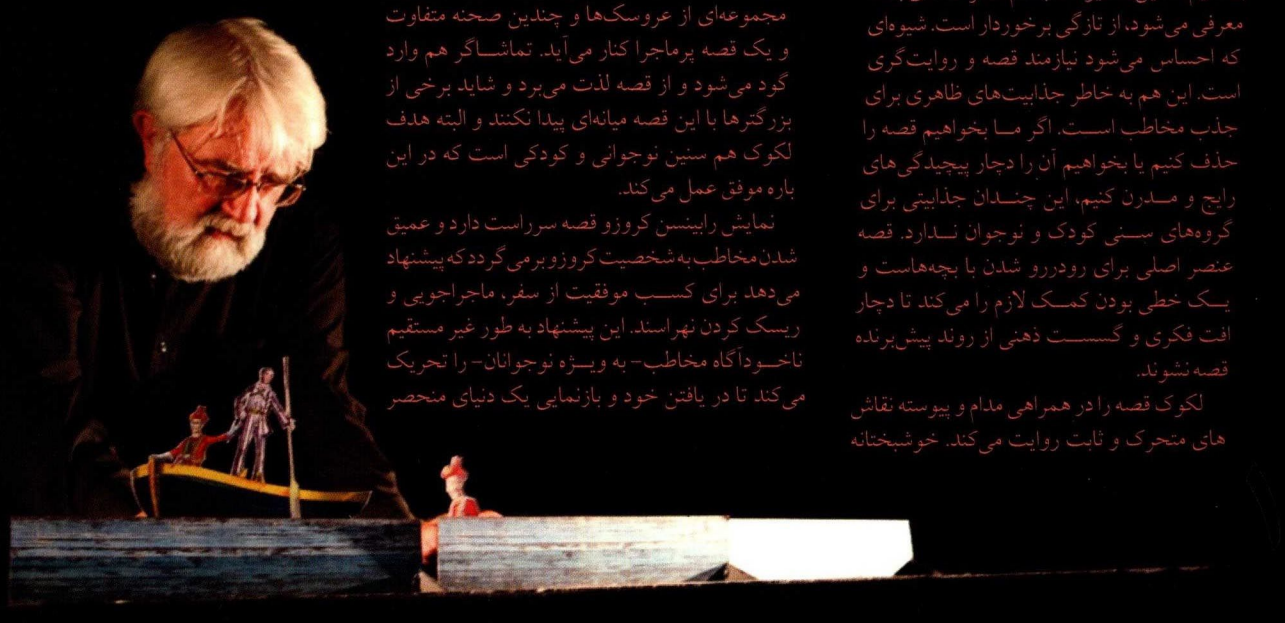

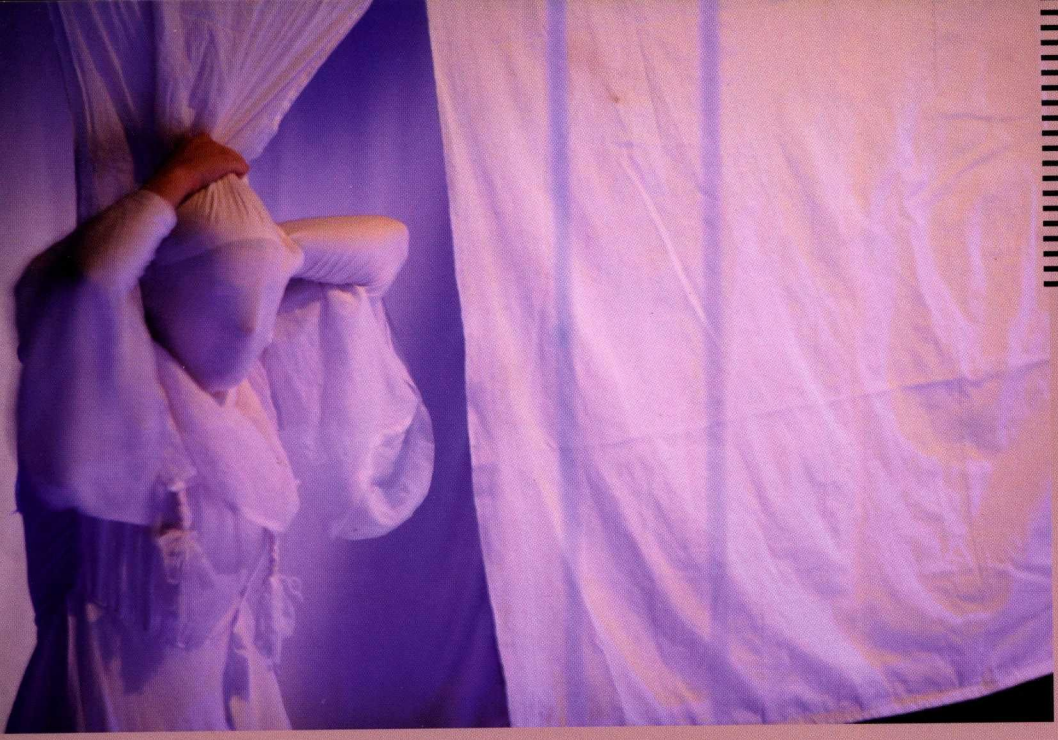

روایت زندگی منصور حلاج پس از بردار شدنش دست‌مایه آثار زیادی قرار گرفته است. از تذکره‌الاولیای عطار گرفته تااشعار شاعران و پژوهش محققان در تمامی این روایت‌ها همواره این حلاج است که قهرمان ماجرا است و به گفته حافظ به هویدا کردن اسرار می‌پردازد. اما ارزش روایتی که نیما دهقانی در نمایشنامه «و گفت امروز بینی...» ارائه می‌دهد بیش از هر چیز به زاویه دیدی باز می‌گردد که نویسنده برای این روایت برگزیده است و این بار حلاج است که با کودکان خیالی‌ش ماجرا را روایت می‌کند.

این زاویه دید بدیع و ابتکاری لایه‌های جدید و متفاوتی به اثر می‌بخشد و در کنار این زاویه دید شخصیت‌پردازی چند لایه، و زبان روان و سلیس متن ارزش‌های مضاعفی به نمایشنامه بخشیده است و آن را به اثری در خور توجه تبدیل کرده است و نویسنده آن را نویسنده‌ای مستعد معرفی می‌کند.

در کنار ارزش‌های موجود در متن اجرا نیز به‌خوبی از عهده توانمندی‌های موجود در متن، بر می‌آید. در این نمایش شاهد اجرایی خلاقانه با حداقل امکانات هستیم. هرچند تکنیک ساخت عروسک با گره زدن پارچه و به حرکت درآوردن آن تکنیکی تکراری است که در آثار دیگری نیز مشاهده شده است اما با این همه جدای از این تکنیک این نمایش جاذبه‌های فراوان دیگری برای جذب مخاطبانش دارد. مهم‌ترین جاذبه «و گفت امروز بینی و...» در اجرا به بازی تنها بازیگر آن هدی ناصح باز می‌گردد که با انرژی فراوان به‌تنهایی از عهده ارائه تمامی نقش‌ها و شخصیت‌های پیچیده نمایش بر می‌آید، به‌خوبی عروسک‌های ساده نمایش را می‌گرداند و در تمامی فضای صحنه حضور دارد.

دومین‌عامل موفقیت این نمایش را می‌توان در ریتم جذاب نمایش جست‌وجو کرد. ریتمی که‌با فراز و فرودهای مناسب به‌خوبی فضاهای متعدد و متنوع نمایش را باز می‌سازد.

سومین عامل جذابیت اجرا نیز تصویرسازی‌های زیبای نمایش است. تصاویری که از پس پارچه‌های سفید و توری‌ها جاذبه‌ای دو چندان می‌یابد و کاملاً فضای مبتنی بر وهم، خیال و جنون را نزد مخاطب باز می‌سازد.

با این همه نمایش «و گفت امروز بینی و...» یک ابهام بزرگ نزد مخاطب به‌جا می‌گذارد که در ادامه جستار به آن اشاره خواهد شد.

در این نمایش، شاهد اثری تلفیقی از انسان و عروسک هستیم. هرچند عروسک‌هایی که در لحظه و مقابل چشم تماشاگر ساخته می‌شوند نقش عمده‌ای در جریان نمایش ایفا می‌کنند اما بانیروی پروتاگونیست و پیش برنده نمایش عنصر انسانی است و این پرسش عمده را مطرح می‌کند که آیا بیشتر با یک نمایش عروسکی روبه‌رو هستیم یا یک نمایش غیر عروسکی و انسانی. هر چند این عامل نمی‌تواند از ارزش‌های نمایش بکاهد.

نمایش «و گفت امروز بینی و...» را می‌توان در زمره نمایش‌هایی دانست که در چند سال اخیر تعداد آن‌ها روبه افزایش است. جریانی که می‌توان آن را نمایش عروسکی بزرگسالان نامید و از این مدیوم آزاد و قدرتمند نه برای ارتباط با کودکان بلکه برای بیان دغدغه‌های عمیق انسانی، اجتماعی و فلسفی بهره می‌جوید. جریانی که تخیل و فانتزی نمایش عروسکی را وام می‌گیرد و آن را در خدمت فضای جدی نمایش قرار می‌دهد. در تئاتر ایران در سال‌های اخیر و در رأس این جریان می‌توان به نام‌هایی چون بهروز غریب‌پور، آزاده انصاری، زهرا صبری و مریم معینی اشاره کرد.

نمایش «وگفت امروز بینی و...» نیز در زمره این جریان قرار دارد و سعی دارد مفاهیم عرفانی اثر را با استفاده از عناصر نمادین و نشانه‌شناختی منتقل کند. اما باز در این حوزه نیز ابهام بزرگی رودرروی نمایش قرار می‌گیرد.

هنگامی که آثار عروسکی در حوزه بزرگسالان خلق می‌شود معمولاً برای انتقال فضا و مفاهیمی است که نمایش غیر عروسکی از عهده آن بر نمی‌آید یعنی تخیلی در این‌گونه آثار وجود دارد که تئاتر غیر عروسکی نمی‌تواند به‌خوبی از عهده آن بر آید و با حجم زیادی از تخیل و تصاویر بدیع در این‌گونه آثار روبه‌رو می‌شودیم.

اما در نمایش «و گفت امروز بینی...» عروسک‌ها نه نقش چندانی در پروبال دادن به تخیل مخاطب دارند و نه کار شاخصی انجام می‌دهند که بازیگر غیر عروسکی نتواند از عهده آن برآید. با وجود این دو ابهام بزرگ در پیکره نمایش «وگفت امروز بینی...» جزو آثار قابل تأمل جشنواره است که ارتباط خوبی نیز با مخاطبش برقرار می‌کند که در حوزه‌های مختف از نور، موسیقی، دکور، نمایشنامه و اجرا در هماهنگی کامل قرار دارد و موفق می‌شود هارمونی خوبی را به صحنه جاری کند.

نگاهی به‌نمایش
«و گفت امروز بینی و...»
به کارگردانی زهره‌بهروزی‌نیا

عشق چیست؟

رحیم عبدالرحیم‌زاده

Puppet and Musk Workshop Based on Ancient Legends Puppet Cousins

Several tables, pencil sketches on the walls, and mud frames covered with chalk…this is the whole atmosphere of the room which is prepared as workshop. Two Italian masters with two of their students have stood in the middle of the room. They are collecting sketches of the students who left the workshop for launch. They work step by step based on their syllables, from sketches to mask to color. Finally they will make puppets which are produced by Iranians and Italians.

Masks are larger than the real size of the face and they have still mud frame. They have to be dry, so they were put in a row beside the room of the class.

Marilla Corbone and Antonio Derko are both architect. They should introduce Italian traditional puppets and Iranian students have to explain Mobarak characteristics to them. There are many determined, serious faces who are narrating everything that they have in their mind and whatever they learned.

Some parts of the theatre stories of two countries are reviewed and some of the joint part is considered. It is very interesting that both of Mobarak and Punchinello are talkative and therefore they can pass their problems.

The session continues with simple sketches of these two heroes of traditional theatre because this is important to study them physically. Even there are many discussions about the character of them and eager youths choose modern approaches to study these personages.

We find opportunity to look at the masks closely and speak with two Italian masters. "I'm architect and I work in Trojan office of governor general, as director of city landscapes and views. But I've started making puppets since I was 10" Marilla Corbone said about herself.

Antonio Derko has been also her cooperator for many years. He is architect too and he is specialist in renovation of historical and important building.

"I give importance to gesture and movement in architecture and I believe that hands must be moved and have contact with materials, so relationship between the forms are really important for me. I become close to masks and puppets and I try to have a connective language between them, then I liked making puppets and masks" he said.

The masks were made for play and Corbone speaks about her love to make mask: "I chose making masks because it is one of the Italian traditions. In Italy we have some masks that they show body gestures, being happy, upset, excited,…you can realize Del Arte by looking at them. I tried to use new masks with profiting by old traditional masks with some changes. Davinci's sketches were really effective on me. However, in this workshop as we have different cultures, I tried to convince them to use their cultural things in making their masks and puppets. Most of the masks are ready now and they are ready to dye."

She points to opening the second stage of the workshop: "from today, we are starting to make puppets which are joint between Iranian and Italian cultures. One of them is Punchinello and another one is Mobarak. We want to connect them. I want to see that how an Iranian student explain and define each of them."

"Today in the world, covering the reality and truth is really easy and fast. Maybe with using masks we can show the truth" Derko says.

"Unfortunately, there are many limited source to study on Mobarak in comparison with Del Arte or Davinci's painting. There is no real source about Mobarak. Everything I know about it, are some oral things or some stories about it. Until now, I've found out that dramatic roots of them are the same. Both of them are servants, and some social circumstances and language made them to react in the plays." Corbone said.

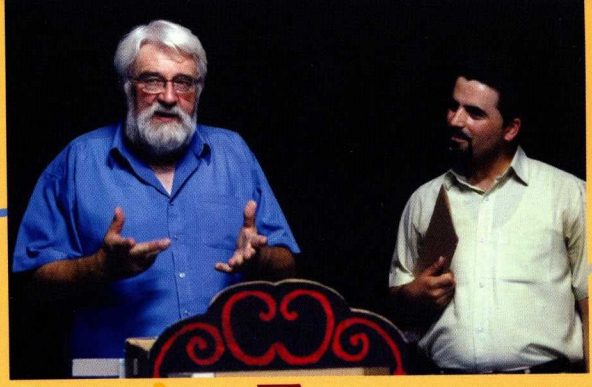

European Traditional Theatre on the Modern Stage

Alain Lecucq is the general director of France Paper Theatre Festival. He is also director of Robinson Crusoe theatre which is supposed to perform on Friday. This is a modern theatre which is introduced to Iranian audiences as a European traditional one. We had a short interview with him about his play and paper theatre techniques.

What is the technique of Robinson Crusoe puppet show?

This is the paper theatre and we only work paper theatre.

What is your definition of paper theatre?

Paper theatre is the meeting point of three arts; storytelling, puppet show and theatre. Storytelling because we narrate a story, puppet show because we have puppets and move them and theatre because we perform a play live.

Do you have any workshop for paper theatre during the 13th puppet show biennale?

Yes. We decide to teach paper theatre around the world because we found out there are a few people who have learned it. Especially we want to teach it for theatre family.

Tell us about Robinson Crusoe play?

Robinson was produced in 2007 for children and young adults. The play is the famous story of Robinson Crusoe. We had two goals; first was performing a play and another one is making audiences acquainting with paper theatre as a traditional work. Meanwhile, we used modern techniques and methods in performing. This is not a modern theatre but still we used modern effects in its performing. We used 19th century's papers to make it. I have a collection of books they were published in 19th century. Then we copied them and worked with those photocopies. Our final target was to familiarize audience with paper theatre very priority.

What other countries that the play was performed at there?

Many many times in France and also in other European countries. In some of other countries like Mexico, USA, Cuba and …we have performance too.

And what about Asia?

No, never we have performed it in Asia and this is the first time that Robinson Crusoe is performed in Asia.

Is paper theatre a house theatre? I mean because of the way of performing it.

That was a house theatre and it had been produced for houses traditionally. Today, they are produced for 60 to 100 audiences. Robinson Crusoe has 60 to 80 audiences and this is much closed with them. Because of storytelling, the nature of paper theatre must be close with audiences. If it will be far there is no relationship between theatre and audiences because in paper theatre we never use microphones.

What are the heights of your puppets?

20 centimeter for maximum but they are generally between 15 to 20 cm.

Tell us about the workshop which you held in Iran. Do you decide to travel here again and how do you consider students' work?

Coming to Iran is always a great enjoyment. I was really surprised when the first time I came to Iran and saw talented students of this country. After I saw that they are really interested in these kinds of puppets, I decide to be there much more than before. As you know in a two day-workshop there only be a time for being familiar with paper theatre not more than it, if we want to learn more we have to have at least 15day-wrokshop.

Daily Bulletin of the 13th
Tehran International
Puppettheater
Festival-mobarak 24jul 2010

Mobarak 24

Dramatic
Arts
Center

مرکز هنرهای نمایشی

انجمن هنرهای نمایشی ایران